

فصل اول

رشد، ویژگی‌ها و اصول رشد

پس از مطالعه این فصل باید بتوانید:

- روان‌شناسی رشد را تعریف کنید.
 - رشد را تعریف کنید.
 - پرسش‌های روان‌شناسان رشد را در مورد انسان بیان کنید.
 - ۵ تعریف رشد را بنویسید.
 - ویژگی‌ها و اصول رشد را بنویسید.
 - هدف رشد را بنویسید.
 - اصول رشد از دیدگاه اسلام را بنویسید.
-

□ روان‌شناسی رشد

انسان همانند سایر موجودات زنده، ساخت و فطرت خاص خود را داشته و پیوسته در حال تغییر و تحول است که این تغییر و تحول موجب امتیاز او از سایر موجودات زنده دیگر می‌شود.

تغییر طبیعی و همگانی انسان معمولاً به صورت افزایش قد و وزن، کاهش ناتوانی‌ها، پیدایش عادت‌ها و مهارت‌های گوناگون به طور کلی، تغییر در رفتار (همه‌ی افکار و اعمال مشهود و نامشهود) در طول زمان پیدا می‌شود. مجموعه‌ی این تغییرات کمی و کیفی متعدد و متنوع را «رشد و تکامل» گویند (شعاری نژاد، ۱۳۸۸: ۳۱).

روان‌شناسی رشد علمی است که پیوندی ناگسستنی با سایر حوزه‌های روان‌شناسی مانند روان‌شناسی آزمایشگاهی، روان‌شناسی تفاوت‌های فردی، روان‌شناسی اجتماعی، روان‌شناسی یادگیری و شخصیت دارد. این رشته هم‌چنین به دلیل استفاده از یافته‌های سایر حوزه‌های علمی چون جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی، ژنتیک رفتاری و طب کودکان، حوزه‌ای بین رشته‌ای تلقی می‌گردد. روان‌شناسی رشد به عنوان علم مطالعه‌ی رشد انسان از زمان بسته شدن سلول نطفه تا هنگام مرگ تعریف شده است (کرباسی، ۱۳۹۱: ۲).

این رشته‌ی علمی، علمی است که جریان تحولات و تغییرات جسمی، ذهنی، عاطفی و عملکرد اجتماعی فرد را در طول عمر - از لحظه‌ی انعقاد نطفه تا هنگام مرگ - مطالعه می‌کند (سیف و همکاران، ۱۳۸۵: ۳).

روان‌شناسی رشد به تمام مراحل زندگی انسان مربوط می‌شود؛ حوزه‌ی تغییرات و تحولات مورد بررسی این رشته به موضوعاتی چون مهارت‌های حرکتی، رفتار اجتماعی، ساخت‌های



شناختی و شخصیت مربوط می‌شود. این رشته، دگرگون شدن متغیرهای روانی و تأثیرات محیط و تجربه را در مراحل رشد مشخص می‌سازد و چگونگی شکل‌گیری و از بین رفتن آنها را توضیح می‌دهد.

تأکید اساسی در این حوزه‌ی علمی بر تغییرات مشترک در شکل ظاهری، رفتار، علایق و اهداف هر مرحله از رشد، همچنین زمان بروز این تغییرات، عوامل مؤثر بر آنها و همگانی یا فردی بودن را نشان است (کرباسی، ۱۳۹۱: ۲).

«ماسن» می‌نویسد: بر اساس تعاریف می‌توان گفت که روان‌شناسان رشد می‌کوشند تا به پرسش‌های زیر در مورد رشد انسان پاسخ گویند:

۱- اولین پرسش برای روان‌شناسان رشد این است که رشد چیست و اصول کلی حاکم بر آن کدام است؟

اگر چه رشد نیز نوعی تغییر است اما روان‌شناسان رشد علاقه‌مندند که تفاوت آن را با تغییراتی که در نتیجه‌ی تأثیر یادگیری، فراموشی، آسیب مغزی را به وجود می‌آید مشخص نمایند.

تغییرات رشدی معمولاً تغییراتی هستند که به صورت منظم و پایدار و نه تصادفی و موقتی و پیش‌رونده و نه بازگشتی صورت می‌گیرند. بنابراین می‌توان گفت که در نتیجه‌ی تغییرات رشدی رفتارهایی سالم‌تر، سازمان یافته‌تر، پیچیده‌تر پایدارتر و کارآمدتر جای رفتارهای پیشین را می‌گیرد.

۲- دومین پرسش برای روان‌شناسان رشد این است که دلیل وجود تفاوت در واکنش‌های آدمیان از بدو تولد چیست؟

بدیهی است که تفاوت‌های فردی ابتدایی در هوش، واکنش‌های خلقی و... مستلزم کاربرد روش‌های تربیتی متفاوتی نیز خواهد بود.

۳- سومین پرسش برای روان‌شناسان رشد این است که آیا رشد امری پیوسته و تدریجی است و یا گسسته و جهشی؟



برخی از روان‌شناسان رشد را فرآیندی مستمر و مداوم می‌دانند که چون رودخانه از نقطه‌ای شروع و به هدفی ختم می‌گردد. این گروه از روان‌شناسان اعتقادی به طبقه‌بندی رشد ندارند. در مقابل عده‌ای دیگر هستند که رشد را به آهنگی تشبیه می‌کنند که زمانی زیر و بم، گاهی تند و گاهی کند و حتی مواقعی نیز با طغیان و بحران همراه است و بنابراین آن را به چندین مرحله تقسیم می‌کنند.

۴- چهارمین سؤال مطرح برای روان‌شناسان رشد این است که چه عاملی موجب رشد می‌شود؟

فلاسفه و دانشمندان علاقه‌مند به مطالعه‌ی رشد، در گذشته به ابراز دیدگاه‌های افراطی در این زمینه پرداخته و برخی به تأثیر طبیعت و برخی دیگر به تربیت تأکید داشته‌اند. امروزه، روان‌شناسان رشد، موضع متعادل‌تری را در پیش گرفته‌اند و به جای طرح پرسش کلی «کدام یک از عوامل طبیعت یا تربیت در رشد مؤثر است؟» به بیان سؤال‌های دقیق‌تری که آثار متقابل عوامل ارثی و محیطی را با هم مورد توجه قرار دهد مانند «تأثیر عوامل محیطی بر ویژگی‌های مشخص ارثی مثل هوش، اندازه یا شکل بدن فرد چه تأثیری دارد؟» می‌پردازند.

۵- پنجمین سؤالی که در پیش روی روان‌شناسان رشد قرار دارد این است که آیا انسان موجودی منفعل است یا فعال؟

درحالی که رفتارگرایان انسان را موجودی منفعل و متأثر از عامل محیطی و نضج‌گرایان وی را مقهور عوامل طبیعی و سرشتی می‌دانند، طرفداران رویکرد شناختی به او به عنوان موجودی فعال می‌نگرند که مدام درگیر جمع‌آوری، اندوختن و تعبیر و تفسیر اطلاعاتی است که از درون یا بیرون دریافت می‌کند (کرباسی، ۱۳۹۱: ۳-۴).

پاول هنری ماسن، جروم کیگان و همکاران در کتاب «رشد و شخصیت کودک» در ذیل سؤالات اساسی درباره رشد می‌نویسند: روان‌شناسان رشد مایلند بدانند که چگونه و چرا موجود انسانی رشد می‌کند و از دخالت اولیه جنینی خود به صورت بزرگسالی تغییر شکل



می‌دهد. بدین ترتیب شاید تعریف رشد عبارت باشد از تغییرات در ساخت بدنی، عصبی، رفتار و نشانه‌های ویژه شخص که همه به ترتیب بروز می‌کنند و در حد معقولی باثباتند. دومین موضوع مهم در روان‌شناسی رشد توضیح «تفاوت‌های فردی» در رفتار است. بعضی از نوزادان وقتی که مادر از آنها دور می‌شود با گریه واکنش نشان می‌دهند؛ بعضی دیگر سرگرم بازی می‌شوند. بعضی از کودکان مفاهیم ریاضی را به سرعت می‌آموزند و برای بعضی دیگر این مفاهیم دشوار است.

سومین موضوع مهم در روان‌شناسی رشد این است که غالب رفتارهای کودکان بستگی دارد به «وضعیت» و «زمینه» ای که در آن پرورش می‌یابند. اگر کودکی متوجه شود که همبازیش غالباً دیگران را می‌زند احتمالاً آن رفتار را تقلید خواهد کرد. همان کودک اگر همبازی غیرپرخاصگری داشته باشد، احتمالاً رفتار غیرپرخاصگرانه از خود نشان می‌دهد. در تحقیقات مربوط به تأثیر موقعیت‌ها بر کودک معلوم می‌شود که کدام تجارب کودک در رشد او تأثیر حائز اهمیتی دارد.

این سه شیوه بررسی رفتار کودکان، یعنی یافتن الگوهای همگانی، تفاوت‌های فردی و تأثیرات زمینه‌ای و مربوط به موقعیت کودک، همگی برای شناخت کامل رشد ضروری است (۱۳۷۰: ۱۲-۱۱).

□ تعریف رشد

واژه‌ی «رشد» در زبان فارسی به معانی متفاوتی به کار می‌رود که می‌تواند درک دقیق آن را با مشکل مواجه سازد. برخی از اصطلاحات معادل با این واژه عبارت‌اند از: نمو، نضج (رشد)، تکامل و تحول که هر یک نیز معانی خاص خود را دارد. «نمو» بر افزایش قد و وزن و یا اندازه‌ی فیزیکی دلالت می‌کند و نضج نیز به معنای «رسیدن به حدی از توانایی عملی است که انجام یک الگوی رفتاری خاص را ممکن می‌سازد». نضج امری نسبی است که تحت تأثیر تکامل نظام عصبی و ساختارهای بدنی و روانی و استعدادهای فردی صورت می‌گیرد و تجربه و یادگیری بر آن بی‌تأثیر می‌باشد.



تکامل نیز پیدایش تغییرات تدریجی در یک موجود تکامل‌پذیر برای به فعلیت رسیدن کمال است. تحول هم به هر نوع تغییری گفته می‌شود که در طول زمان به وجود می‌آید و با این حساب مفهومی است عام‌تر از رشد و شامل آن نیز می‌گردد (کرباسی، ۱۳۹۱: ۷). از آن‌جا که مهم‌ترین واژه در روان‌شناسی رشد کلمه رشد است؛ برخی تعابیر از این اصطلاح مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱- «رشد» عبارت است از زنجیره‌ای از تغییرات جسمی، اجتماعی و شخصیتی که به مرور زمان روی می‌دهند (کاپلان، ۳۴: ۱۳۸۶).

۲- «رشد» عبارت است از تغییرات در ساخت بدنی، عصبی، رفتار و نشانه‌های ویژه‌ی شخص که همه به ترتیب بروز می‌کنند و در حد معقولی باثبات‌اند (ماسن، ۱۳۵۰: ۱۱).

۳- «رشد» به تغییراتی در امتداد زمان اشاره دارد که از الگوی منظمی پیروی می‌کند. این تغییرات، تدریجی و پیش‌رونده است؛ در زندگی اتفاق می‌افتد و ارتباط نزدیکی با یادگیری دارد (کدیور، ۱۳۹۰، ۴۴).

۴- «رشد» عبارت است از همه تغییرات و تحولاتی که از زمان تشکیل سلول تخم تا هنگام مرگ در انسان روی می‌دهد. رشد حرکتی مستمر، دائمی و پیوسته بوده، گاهی آهسته و زمانی همراه با جوش و خروش است (فرهنگی، ۱۳۸۵: ۱).

۵- «رشد» عبارت است از یک سلسله تغییرات پی‌درپی که برای رسیدن به هدف واحدی که تکمیل نضج است، صورت می‌گیرد (شعاری نژاد، ۱۳۶۴: ۱۸).

به نظر می‌رسد که تعریف زیر از «رشد» تعریف جامع‌تر و مانع‌تری باشد:

«رشد» عبارت است از تغییرات کمی و کیفی نسبتاً پایدار، مستمر و فراگیر در قابلیت‌ها که تحت تأثیر نضج و تعامل آن با محیط در قالب الگویی منسجم صورت پذیرد و مستلزم وحدت پیچیدگی‌ها و کنش‌هاست (کرباسی، ۱۳۹۱: ۸).



□ هدف رشد

هدف رشد عبارت از خودشناسی یا خودشکوفایی می‌باشد تا از این طریق فرد انسانی بتواند با محیطی که در آن زندگی می‌کند سازگاری و تطابق لازم را پیدا کند. گاهی رشد به عنوان یک «میل» موردنظر قرار می‌گیرد، میل به انجام دادن چیزی که مناسب است او انجام دهد یا میل به اینکه او می‌خواهد یک فرد شود چه از نقطه‌نظر جسمانی و چه به لحاظ روانی، البته اینکه انسان‌ها چگونه این «میل» را ظاهر می‌سازند بستگی به توانایی‌های ذاتی و تربیت آنها خصوصاً در دوران کودکی و نوجوانی دارد.

خودشکوفایی و خودشناسی نقش بسیار مهمی در سلامت روانی ایفا می‌کند. افرادی که به این خودشکوفایی و خودشناسی دست پیدا می‌کنند این فرصت را پیدا می‌کنند که هم سازگاری مشخصی پیدا کنند و علایق و خواسته‌های خود را ارضاء نمایند و هم اینکه با محیط اجتماعی خود و استانداردهای جامعه تطابق و سازگاری لازم را پیدا می‌کنند. البته هدف رشد در دیدگاه‌ها و نظریه‌های مختلف از افق‌های مختلفی می‌تواند برخوردار باشد. از دیدگاه مکتب انسان‌ساز اسلام، هدف رشد از افق بسیار بالایی برخوردار است. قرآن کریم هدف رشد را هدایت، نجات و کمال انسان مطرح می‌فرماید و معتقد است هر انسانی نمی‌تواند به رشد واقعی خویش دست یابد مگر آنکه او دعوت خداوند را استجابت نماید و به او ایمان آورد.

خداوند در سوره‌ی بقره آیه ۱۸۶ می‌فرماید:

«فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ»

پس باید دعوت مرا بپذیرند و به من ایمان آورند تا به رشد دست یابند.

□ اصول رشد از دیدگاه اسلام

برای آنکه انسان به رشد و واقعیت خویش دست یابد و راه و جاده‌ی زندگی را به درستی پیماید قطعاً باید از اصول و شرایطی پیروی کند. این اصول عبارتند از:

۱- رشد انسان باید بر مبنای فطرت صورت گیرد.



- ۲- عوامل ارثی (قبل از تولد) بر رشد انسان تأثیر می‌گذارد.
 - ۳- از دیدگاه اسلام خانواده (پدر و مادر) مهم‌ترین تأثیرات و وظایف را در رشد و تربیت کودک برعهده دارند.
 - ۴- در رشد توجه به تفاوت‌های فردی در بین انسان‌ها یک اصل ضروری است.
 - ۵- در رشد و تربیت به عامل تشویق باید اهمیت بیشتری داده شود و از تنبیه پرهیز گردد.
- از دیدگاه اسلام انسان موجودی در حال رشد است و هدف او نیز رسیدن به نقطه کمال دین رشد می‌باشد.

□ ویژگی‌ها و اصول رشد

اگر بار دیگر به سؤال‌هایی که مطرح شد نگاهی بیندازید، متوجه خواهید شد که آن‌ها فقط از لحاظ علمی جالب نیستند. هر یک از آن‌ها اهمیت «کاربردی» هم دارند. در واقع کنجکاوی علمی در مورد تغییراتی که از «نوباوگی» تا «پیری» صورت می‌گیرند فقط یکی از عواملی است که باعث شده رشد انسان امروزه حوزه‌ی مطالعاتی جالبی شود. فشارهای اجتماعی برای زندگی بهتر افراد نیز پژوهش در مورد رشد را برانگیخته است.

مخزن عظیم اطلاعات ما در مورد رشد انسان میان رشته‌ای است که از ترکیب تلاش‌های افراد در حوزه‌های مطالعاتی متعدد به دست آمده است. چون برای مشکلات روزمره در تمام سنین به راه‌حلهایی نیاز داریم دانشمندانی از روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی و زیست‌شناسی با تخصصانی از انواع حوزه‌های کاربردی از جمله آموزش و پرورش، مطالعات خانواده، پزشکی، بهداشت عمومی و خدمات اجتماعی در امر پژوهش همکاری می‌کنند (برک، ۱۳۸۶: ۱۰-۱۱).

- ۱- رشد الگوهای معین و قابل پیش‌بینی دارد. منظور از این الگوها این است که ابتدا قسمت سر و سپس قسمت‌های تنه و پاها رشد می‌کنند. همچنین ابتدا اعضا داخلی و سپس اعضای پیرامونی رشد می‌کنند. از سوی دیگر کودک ابتدا در واکنش به محرک‌ها با تمام بدن خود



واکنش نشان می‌دهد اما به تدریج در اثر ریش و یادگیری اعضای بدن خود را به صورت تخصصی مورد استفاده قرار می‌دهد.

۲- رشد جریانی مداوم است.

۳- تفاوت‌های فردی در رشد تقریباً ثابت است.

۴- رشد دارای ابعاد جسمانی و روانی و نسبت‌های مختلف است.

۵- هر مرحله از رشد دارای ویژگی‌های خاص است.

۶- هر فردی تمام مراحل رشد را طی می‌کند.

۷- هر مرحله مقدمه‌ای است برای مراحل بعد و ناشی از مراحل قبل است (فرهنگی، ۱۳۸۵: ۱).

دکتر اصغر عدل در کتاب «روانشناسی و علوم تربیتی ۲» اصول حاکم بر رشد را ۳ اصل عنوان کرده است:

۱- رشد پیوسته است: انسان در طول زندگی، ارگان‌بسیمی رشد یابنده است. رشد انسان محدود به کودکی و نوجوانی یا محدود به زمان خاصی نیست.

۲- رشد نسبی است: ریش می‌تواند در یک حوزه صورت گرفته ولی در زمینه دیگر ریش کمتری ایجاد شده باشد.

۳- تأثیرات رشدی دو سویه است: کودک هم تحت تأثیر زمینه اجتماعی است و هم محیط را تحت تأثیر قرار می‌دهد. (تأثیر متقابل ارث و محیط بر کودک): یعنی کودک می‌تواند با رفتارهایش، بر رفتار دیگران اثر بگذارد (عدل، ۱۳۸۶: ۱).

خلاصه فصل اول

روانشناسی رشد علمی است که پیوندی ناگسستنی با سایر حوزه‌های روان‌شناسی مانند روان‌شناسی آزمایشگاهی، روان‌شناسی تفاوت‌های فردی، روان‌شناسی اجتماعی، روان‌شناسی یادگیری و شخصیت دارد.

روانشناسی رشد به تمام مراحل زندگی انسان مربوط می‌شود؛ حوزه‌ی تغییرات و تحولات مورد بررسی این رشته به موضوعاتی چون مهارت‌های حرکتی، رفتار اجتماعی، ساخت‌های شناختی و شخصیت مربوط می‌شود.

روانشناسان رشد می‌کوشند تا به پرسش‌های زیر رابطه با رشد انسان پاسخ گویند:

۱- رشد چیست و اصول کلی حاکم بر آن کدام است؟

۲- دلیل وجود تفاوت در واکنش‌های آدمیان از بدو تولد چیست؟

۳- آیا رشد امری پیوسته و تدریجی است و یا گسسته و جهشی؟

۴- چه عاملی موجب رشد می‌شود؟

۵- آیا انسان موجودی منفعل است یا فعال؟

رشد عبارت است از زنجیره‌ای از تغییرات جسمی، اجتماعی و شخصیتی که به مرور زمان روی می‌دهند.

رشد عبارت است از تغییرات در ساخت بدنی، عصبی، رفتار و نشانه‌های ویژه‌ی شخص که همه به ترتیب بروز می‌کنند و در حد معقولی باثبات‌اند.

تعریف جامع‌تر و مانع‌تر از رشد عبارت است از تغییرات کمی و کیفی نسبتاً پایدار، مستمر و فراگیر در قابلیت‌ها که تحت تأثیر نضج و تعامل آن با محیط در قالب الگوی منسجم صورت پذیرد و مستلزم وحدت پیچیدگی‌ها و کنش‌هاست.

ویژگی‌های رشد عبارت است از:

۱- رشد الگوهای معین و قابل پیش‌بینی دارد.

۲- رشد جریانی مداوم است.